

تعاریف و مفاهیم

عشایر کوچنده

عشایر کوچنده به مردمی گفته می‌شود که حداقل سه ویژگی زیر را داشته باشند:

1- ساخت اجتماعی قبیله‌ای

2- اتکای معاش به دامداری

3- شیوه زندگی مبتنی بر کوچ

در ارتباط با سه ویژگی فوق، توجه به نکته‌های زیر ضروری است:

- هر فرد این جامعه خود و خانواده‌اش را متعلق و وابسته به یک گروه اجتماعی بزرگ‌تر و معمولاً خویشاوند می‌داند و غالباً به آن مباحثات می‌کند که نام این گروه بزرگ‌تر به‌طور معمول «طایفه» است.
- اگر منابع دیگری برای معاش عشایر کوچنده وجود داشته باشد، حالت فرعی و جنبی دارد، مانند زراعت محصولات اصلی چون گندم و جو و یا تولید مصنوعات مانند قالی و خورجین.
- چون معیشت عشایر کوچنده متکی بر دام‌هایی است که آن‌ها را در مراتع طبیعی می‌چرانند، لذا با تغییر فصل از نقطه‌ای به نقطه دیگر و از منطقه‌ای به منطقه دیگر کوچ می‌کنند و فصل سرد را در قشلاق و فصل گرم را در ییلاق به سر می‌برند که فاصله آن‌ها ممکن است تا بیش از پانصد کیلومتر باشد.

ایل

شامل طایفه‌های متعددی است که به‌علت هم‌خونی و خویشاوندی یا دلایل اجتماعی، سیاسی و... با یکدیگر متحد هستند و معمولاً در یک محدوده جغرافیایی که قلمرو ایل به حساب می‌آید، زندگی می‌کنند. طایفه‌های یک ایل معمولاً با هم خویشاوندی‌های دور نسبی و سببی دارند. بعضاً هم ممکن است بدون داشتن خویشاوندی بنا به ضرورت‌های اجتماعی و سیاسی متحد شوند و تشکیل ایل بدهند. گویش، آداب و رسوم و شیوه زندگی طایفه‌های مختلف یک ایل در موارد بسیاری یکسان است.

طایفه

مشخص‌ترین و مهم‌ترین چارچوب اجتماعی عشایر، طایفه است که شامل جماعتی است که غالباً با هم خویشاوندی دور و نزدیک دارند و در چند یا چندین نسل پیش به‌طور نسبی یا سببی به مبنای مشترکی می‌رسند. فرد عشایری در بیان وابستگی و تعلقش، غالباً از طایفه خود نام می‌برد.

طایفه مستقل

در این سرشماری هر طایفه‌ای که جزو ایلی نبوده، طایفه مستقل نامیده شده است.

استان محل استقرار

استانی که عشایر کوچنده، دوره ییلاقی و یا قشلاقی خود را در آن می‌گذرانند، استان محل استقرار نامیده می‌شود.

ییلاق

محدوده زیست و قلمرو جغرافیایی که عشایر تمام یا قسمتی از تابستان را در آن بسر می‌برند «ییلاق یا سردسیر» می‌گویند.

قشلاق

محدوده زیست و قلمرو جغرافیایی که عشایر تمام یا قسمتی از زمستان را در آن بسر می‌برند «قشلاق یا گرمسیر» می‌نامند.

کوچ عشایری

حرکت خانوار عشایری از نقطه‌ای به نقطه دیگر با هدف استفاده از منابع طبیعی برای چرای دام، کوچ عشایری نامیده می‌شود. این کوچ معمولاً با شرکت همه اعضای خانوار، بار و بنه، اثاث منزل و سرپناه قابل حمل و به‌طور تاریخی و معمولی، بین ییلاق و قشلاق و برعکس، همراه با ایل و طایفه یا رده‌هایی از آن انجام می‌گیرد. کوتاه یا بلند بودن مسیر کوچ تغییری در مفهوم کوچ نمی‌دهد.

مسیر کوچ

خط سیر حرکت واحد کوچنده از ییلاق به قشلاق و برعکس را مسیر کوچ آن واحد می‌نامند.

خانوار

خانوار از چند نفر تشکیل می‌شود که با هم در یک اقامتگاه زندگی می‌کنند، با یکدیگر هم‌خرج هستند و معمولاً با هم غذا می‌خورند. بنا بر این لازم نیست که اعضای یک خانوار با یکدیگر رابطه خویشاوندی داشته باشند. به عبارت دیگر، خانوار لزوماً با خانواده یکی نیست. فردی که به تنهایی زندگی می‌کند نیز، خانوار تلقی می‌شود.

خانوار عشایری کوچنده

خانوار عشایری کوچنده، خانواری است که عضو جامعه عشایر کوچنده باشد.

سن

منظور از سن، تعداد سال‌های کاملی است که از زمان تولد فرد گذشته است.

باسواد

کسانی که می‌توانند به فارسی یا هر زبان دیگری، متن ساده‌ای را بخوانند و بنویسند، خواه مدرک رسمی داشته یا نداشته باشند، باسواد تلقی می‌شوند. سوادآموزان نهضت سوادآموزی نیز باسواد محسوب می‌شوند.

در حال تحصیل

افرادی در حال تحصیل تلقی می‌شوند که طبق برنامه‌های رسمی آموزشی کشور به تحصیل مشغول باشند. طلاب حوزه‌های علمیه و سوادآموزان نهضت سوادآموزی نیز در حال تحصیل محسوب می‌شوند.

کار

هر فعالیت فکری یا بدنی است که قانوناً مجاز باشد و به منظور کسب درآمد (نقدی یا غیر نقدی) صورت گیرد.

وضع فعالیت

در این سرشماری، وضع فعالیت افراد در 7 روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری مورد نظر بوده است. هر یک از افراد از این نظر و با توجه به تعریف کار، در یکی از گروه‌های زیر قرار می‌گیرند:

شاغل: فردی که مطابق با تعریف کار و مصادیق آن در 7 روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری حداقل یک ساعت کار کرده، هر چند در شغل معمولی خود کار نکرده باشد، شاغل محسوب می‌شود. علاوه بر این، افراد دارای شرایط زیر نیز شاغل به حساب می‌آیند:

- کسانی که در هفت روز گذشته کار کرده‌اند. کسانی که دارای شغلی هستند ولی در هفت روز گذشته به عللی از قبیل مرخصی، بیماری، تعطیلی محل کار و... کار نکرده‌اند و پس از رفع علت به کار خود ادامه خواهند داد را شاغل محسوب کنید.
- کسانی که شغل مستمر (دائمی) ندارند، ولی در هفت روز گذشته حداقل یک ساعت کار کرده‌اند.
- کسانی که دارای شغلی هستند ولی در هفت روز گذشته به اقتضای فصل و ماهیت فصلی کار خود، کار نکرده‌اند (بیکاران فصلی) مشروط بر آن که در جستجوی کار دیگری نباشند.
- مردان یا زنانی که در فعالیتهای دامداری، زراعت، باغداری و... مشغول به کار هستند.
- زنان شاغلی که اداره امور خانه را نیز بر عهده دارند، شاغل محسوب می‌شوند معمولاً بسیاری از زنان عشایری در امور دامداری مشارکت دارند و شاغل محسوب می‌شوند.
- افرادی که بدون دریافت مزد، در کسب و کار یکی از اعضای خانوار خود که با وی نسبت خویشاوندی دارند کار می‌کنند (کارکنان فامیلی بدون مزد). این افراد به‌طور معمول زنان و نوجوانانی هستند که در کارهای دامداری، کشاورزی و... بدون دریافت مزد به سایر اعضای خانوار کمک می‌کنند.
- افرادی که برای تولید کالاهای بادوام به فعالیتهایی نظیر قالی‌بافی، گلیم‌بافی، حصیربافی و... برای فروش یا مصرف خود یا خانوار خود مشغول هستند.
- افرادی که خدمت در بسیج شغل آنان محسوب می‌شود و از این بابت مزد و حقوق دریافت می‌کنند.
- افرادی که در حال انجام خدمت وظیفه هستند.

بیکار جویای کار: افرادی که شاغل به حساب نمی‌آیند و در هفت روز گذشته در جستجوی کار بوده‌اند.

محصل: کسانی که شاغل و بیکار جویای کار محسوب نمی‌شوند و طبق برنامه‌های رسمی آموزشی کشور محصل تلقی می‌شوند.

خانه‌دار: کسانی که شاغل، بیکار جویای کار و محصل به حساب نمی‌آیند و بنا بر اظهار پاسخگو، در هفت روز گذشته به خانه‌داری مشغول بوده‌اند.

دارای درآمد بدون کار: کسانی که شاغل، بیکار جویای کار، محصل و خانه‌دار محسوب نمی‌شوند و درآمدهای مستمری مانند حقوق

بازنشستگی، حقوق وظیفه، درآمد املاک و مستغلات، سود سهام و... دارند.

سایر: کسانی که از نظر وضع فعالیت در هفت روز گذشته در هیچ یک از گروه‌های بالا قرار نمی‌گیرند.

وضع زناشویی

در این سرشماری افراد از نظر وضع زناشویی به چهار گروه زیر تقسیم می‌شوند:

دارای همسر: زنان یا مردانی که عقد ازدواج بسته‌اند، اعم از این که هنگام سرشماری با همسر خود زندگی مشترک داشته باشند یا نداشته باشند، دارای همسر محسوب می‌شوند.

بی همسر بر اثر فوت: زنان یا مردانی که همسرشان فوت شده است و تا زمان سرشماری مجدداً ازدواج نکرده‌اند، بی همسر بر اثر فوت شناخته می‌شوند.

بی همسر بر اثر طلاق: زنان یا مردانی که از همسر خود بر اثر طلاق جدا شده و تا زمان سرشماری مجدداً ازدواج نکرده‌اند، بی همسر بر اثر طلاق تلقی می‌شوند.

هرگز ازدواج نکرده: زنان یا مردانی که تا زمان سرشماری همسر اختیار نکرده‌اند، هرگز ازدواج نکرده شناخته می‌شوند.

سرپناه

سرپناه، خانه عشایری است که می‌توان آن را جمع کرده از محلی به محل دیگر حمل کرد و در آنجا دوباره برپا ساخت. سرپناه قابل حمل که شاخص عینی کوچ و عضویت در جامعه عشایری است به اشکال و نام‌های گوناگون وجود دارد.

ساختمان معمولی

منظور از ساختمان معمولی در این طرح، بناهای ساخته شده از مصالح سخت است که از نظر شیوه ساخت لااقل مشابه خانه‌های روستایی منطقه باشد.

ساختمان عشایری

در این طرح منظور از «ساختمان عشایری»، بناهایی است که عشایر با استفاده از مصالح محلی مانند «سنگ و گل»، برای استفاده در دوره استقرار بیلاقی یا قشلاقی می‌سازند و فقط در مدتی از سال قابل استفاده است.

عمده‌ترین سوخت مصرفی

منظور از عمده‌ترین سوخت مصرفی خانوار، سوختی است که نقش آن در مصرف توسط خانوار برای پخت و پز یا ایجاد گرما بیش‌تر از سایر انواع سوخت‌ها باشد.

صنایع دستی خانوار

اگر یک یا چند عضو خانوار به‌طور معمول در طول سال (بیلاقی و قشلاق گذشته) مصنوعات را در خانوار تولید کرده باشند تحت عنوان صنایع دستی خانوار محسوب شده است. صنایع دستی خانوار در این سرشماری به شرح زیر بوده است:

ورنی: بافته‌ای است مشابه جاجیم از جنس پشم یا ابریشم، تفاوت ورنی و جاجیم در عرض آن‌ها است. جاجیم در قطعاتی با عرض 30 سانتی‌متر بافته می‌شود و سپس قطعات آن را به هم می‌دوزند در حالی که عرض ورنی بین 1 تا 2 متر است. به‌طور معمول ورنی در اندازه‌های $1 \times 1/5$ یا $2 \times 2/25$ متر بافته می‌شود.

پلاس: بافته‌ای است که تار و پود آن رشته‌هایی از موی بز می‌باشد. پلاس به صورت قطعات مستطیل شکل بلند و کم‌عرض توسط زنان عشایر بافته می‌شود. سپس این قطعات را از کناره‌ها به هم می‌دوزند و قطعه بزرگی به دست می‌آورند که همان «سیاه چادر» یا سرپناه قابل حمل عشایری است که با طناب، چوب‌ها، دیرک‌ها و سیخ‌های بزرگ چوبی یا فلزی بر افراشته می‌شود.

خورجین، توبره و مشابه: خورجین وسیله حمل اسباب و اثاث می‌باشد که روی گرده چهارپایان قرار می‌گیرد. رویه آن ممکن است ساده و یا از جنس قالیچه باشد. توبره کیسه‌ای است که برای حمل وسایل توسط اشخاص مخصوصاً چوپان‌ها، ساربان‌ها، و مانند آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد و یا برای تغذیه به گردن دام آویخته می‌شود.

چوقا یا برک: با خامه‌ای از پشم یا کرک بز، بافته‌ای تهیه می‌کنند که از آن پوشاکی شبیه به پالتو می‌دوزند، این شبه پالتو در عشایر بختیاری «چوقا» نامیده می‌شود و عشایر جنوب خراسان آن را «برک» می‌گویند. در جاهای دیگر نیز مشابه آن به نام‌های دیگر وجود دارد.

بهره‌برداری کشاورزی

بهره‌برداری کشاورزی عبارت است از یک واحد تولید کشاورزی که در آن یک یا چند فعالیت کشاورزی تحت یک مدیریت قرار داشته و اداره امور فنی و اقتصادی آن بر عهده یک یا چند بهره‌بردار به‌طور مشترک باشد. فعالیت‌های کشاورزی مورد نظر در این سرشماری، منحصراً شامل دامداری، زراعت و باغداری است. در این سرشماری فقط واحدهایی که دارای شرایط زیر بوده‌اند، بهره‌برداری محسوب شده‌اند:

- 1- واحدهایی که تولید آن‌ها برای فروش بوده است.
- 2- واحدهایی که حداقل یکی از فعالیت‌های آن‌ها در حد زیر بوده است:
 - دامداری: حداقل 1 رأس دام سنگین (گاو، گاومیش و شتر) و یا 2 رأس دام سبک (گوسفند و بز)
 - زراعت: حداقل 400 متر مربع زمین زیر کشت محصولات سالانه و یا آیش
 - باغداری: حداقل 200 متر مربع زیر کشت محصولات دائمی (درختان مثمر و غیر مثمر)

بهره‌بردار کشاورزی

- بهره‌بردار کشاورزی فردی است که مسئولیت اقتصادی و فنی کارهای بهره‌برداری را به عهده دارد و سود و زیان بهره‌برداری کشاورزی متوجه اوست. اگر بهره‌بردار کشاورزی در انجام مسئولیت خود با افراد دیگری نیز شریک باشد در این صورت هر یک از شرکا مشروط بر آن‌که عضو خانوار واحد نباشد، یک بهره‌بردار محسوب می‌شود.

انواع بهره‌برداری کشاورزی عشایری

- 1- بهره‌برداری اختصاصی: بهره‌برداری «اختصاصی» به‌وسیله یک بهره‌بردار به تنهایی یا با کمک اعضای خانوار او اداره می‌شود.
- 2- بهره‌برداری شریکی با عشایر: بهره‌برداری «شریکی با عشایر» توسط دو یا چند بهره‌بردار اداره می‌شود که همه آن‌ها از خانوارهای عشایری هستند.
- 3- بهره‌برداری شریکی با غیر عشایر: بهره‌برداری «شریکی با غیر عشایر» توسط دو یا چند بهره‌بردار اداره می‌شود ولی همه بهره‌برداران از خانوار عشایری نیستند.
- 4- بهره‌برداری متعلق به غیر عشایر: بهره‌بردار یا بهره‌برداران این نوع بهره‌برداری، ساکن شهر یا روستا هستند و در این بهره‌برداری که صرفاً شامل فعالیت دامداری است دام‌ها توسط چوپان یا بستگان بهره‌بردار که عضو جامعه عشایر کوچنده هستند نگهداری می‌شود.

تغییرات تعداد دام

عواملی که باعث ایجاد تغییر در تعداد دام‌های بهره‌برداری از اول بیلاق سال 1386 تا اول بیلاق 1387 شده، به شرح زیر است:
زاییده شده: منظور دام زنده به دنیا آمده است هر چند که بعد از تولد تلف شده باشد.

تلفات: منظور دام‌های تلف شده در دوره زمانی مورد نظر است. دام‌های تازه متولد شده که بعد از به دنیا آمدن تلف شده‌اند و نیز دام‌هایی را که طعمه حیوانات درنده قرار گرفته‌اند جزو تلفات بشمار آمده است.

خرید: منظور دام‌های خریداری شده برای دامداری است. دام‌هایی که بهره‌برداری‌ها به‌طور رایگان دریافت کرده‌اند جزو دام‌های خریداری منظور شده‌اند. دام‌های خریداری شده که قبل از وارد شدن به بهره‌برداری بلافاصله ذبح شده‌اند جزو خرید منظور نشده‌اند اما اگر دام بعد از خرید و اضافه شدن به بهره‌برداری ذبح شده باشد، جزو خرید منظور شده است.

فروش: منظور دام‌های فروخته شده از موجودی بهره‌برداری است. دام‌هایی از بهره‌برداری که گم شده یا به‌طور رایگان به دیگران واگذار شده‌اند، جزو دام‌های فروش‌رفته به حساب آمده‌اند.

ذبح: منظور دام‌هایی از بهره‌برداری است که توسط بهره‌بردار یا بهره‌برداران ذبح شده‌اند. دام‌هایی که بر اثر بیماری، تصادف و... آسیب دیده و قبل از مرگ توسط بهره‌بردار ذبح شده‌اند جزو دام‌های ذبح شده به حساب آمده‌اند.

شیردوشی شده: دام شیردوشی شده دامی است که در ییلاق و قشلاق گذشته زایمان کرده باشد و از آن شیردوشی شده باشد و شیر حاصل برای فروش یا مصرف خانوار و یا تبدیل به مواد لبنی، مورد بهره‌برداری قرار گرفته باشد.

پشم و موچینی شده: تعداد گوسفند و بره، بز و بزغاله و شتر و بچه شتر که طی دوره زمانی اول ییلاق 1386 تا ابتدای ییلاق 1387 پشم و موچینی شده باشند، جزو دام پشم و موچینی شده منظور شده‌اند.